

برود و ببیند.

به آموزش و پرورش حکم می‌کنند و اگر این اتفاق نیفتاد رئیس جمهور گردن آن وزیر را می‌زند، چون می‌گوید برای این فیلم هزینه شده است و در داخل کشور ساخته شده و شما موظف هستید که بروید و با فرزندان این فیلم را ببینند. اما در ایران برای ما حمایت به تناسب فکر خودشان انجام می‌شود و می‌گویند ما حمایت کردیم. من دوست ندارم بگویم فیلم خوب است و باید حمایت شود. اگر فیلم بد است عیبی ندارد، فقط بگویند کدام قسمت مشکل دارد؟ غیر از این نیست که در فیلم گفته‌ام باید بدانید زندگی سخت است و مخاطب در عین حال سرگرم هم می‌شود؟ فیلم سفر پر ماجرا فیلمی پر از حادثه است، حوادثی که آدم باید ببیند که چه اتفاقی می‌افتد و کودکان چگونه از آن عبور می‌کنند. این همه‌اش سرگرمی و آموزش است.

نکته پایانی...؟

همه چیز را گفتم ولی هیچ کدام دردی را دوانمی‌کند، من ۴۰ سال است که این حرف‌ها را تکرار می‌کنم.



من ۶ سال در انتظار اکران «سفر پر ماجرا» بودم و این زمان طولانی به فعالیت حرفه‌ای من آسیب زد. یک فیلمساز و به طور کل یک هنرمند با آثارش زنده می‌ماند و وقتی یک فیلمساز ۶ سال از دنیای فیلمسازی فاصله می‌گیرد از ملزومات فیلمسازی امروز عقب می‌ماند

دغدغه‌های هنرمند همیشه تقسیم بندی می‌شود؛ بستگی دارد آن هنرمند در چه شرایط فکری و فرهنگی باشد. یکی از دغدغه‌های هنرمند سرگرم کردن مردم است و هنر در جایگاه هنر باید استفاده شود. یک نفر می‌آید و می‌گوید مردم را سرگرم کنم تا پول در بیاورم ولی من دوست داشتم فیلم ساخته شود، تامین شود تا بتوانم فیلم بعدی را بسازم و دغدغه‌ام دغدغه جامعه باشد. احتیاج‌هایی که فرزند خودم و دیگر کودکان دارند باشد؛ احتیاجاتی که آن را هدایت کند. ما یک بعدی نباید نگاه کنیم من جامعه خودم را اینگونه می‌دیدم که احتیاج است یک سری فیلم برای بچه‌ها بسازم، چون می‌دانم و می‌توانم. پس انجام می‌دهم و مدیران چون نمی‌توانند و نمی‌دانند، کارگردان‌هایی مثل من را رها می‌کنند و می‌گویند خودتان یک کاری کنید. من در این فیلم جز سنگ اندازی برای کارم هیچ حمایتی نگرفتم. در این حد به شما بگویم که هیچ حمایتی به لحاظ مالی صورت نگرفت و در واقع حمایت یعنی بیایند و بگویند این یک میلیارد کمک بلاعوض برای اینکه فیلم‌تان را خوب در بیاورید. و آیا این کار را کردند؟ بگویند شما فیلم کودک ساختید و ما حمایت می‌کنیم و از طرف آموزش و پرورش الزام می‌کنیم دانش آموزان بیایند و همه سینما پر شود؛ اما آن‌ها این کارها را نمی‌کنند.

در کشورها خارجی مثل کره، بچه‌ها را می‌برند و آن فیلمی که برای کودک ساخته شده است الزام می‌کنند کودک باید

بفهمند و درباره آن با بچه‌ها بشینند و صحبت کنند. ما عادت نداریم کار پژوهشی انجام دهیم، مثلاً وقتی این فیلم را بچه‌ها دیدند، بنشینیم و راجع به آن صحبت کنیم. ما فیلم می‌سازیم و آموزش و پرورش وظیفه دارد که به آن توجه کند و چون این وظیفه را احساس نمی‌کند می‌آید و می‌گوید به من ربطی ندارد و الان هم زمان مدرسه نیست. مدارس باید فیلم را به نسبت بچه‌ها و نوجوان‌ها انتخاب کنند و ببینند نه به نسبت بزرگسال، چون من فیلم را برای نوجوان ساختم.

پدر مادر باید بیاید و ببیند و بگوید این فیلم برای تو مناسب است چون سلامت است و تو فقط به این فیلم نمی‌خندی بلکه در بعضی از قسمت‌ها می‌خندی و در بعضی جاهای دیگر آن باید فکر کنی که چرا این اتفاق می‌افتد. وقتی این فیلم و مشابه این فیلم برای کودک وجود ندارد، این گونه می‌شود که بچه‌ها الان دوست دارند بروند و فیلم‌هایی مثل پول پارتی و امثال این‌ها را ببینند، در صورتی که به آن کودک باید گفته شود این فیلم مناسب تو نیست. حالا می‌آیند و به کودک می‌گویند این مرد بلد نبود که از پولش محافظت کند. خب این موضوع چه ربطی به کودک دارد؟ ما هنوز متوجه نشدیم کتابی که باید برای نوجوانان بخریم چه کتابی است، فیلمی که باید نوجوان ببیند چه فیلمی است و خودمان حق نداریم تصمیم بگیریم که این فیلم برای ما مناسب نیست یا هست، شما باید بدانید این فیلم مناسب است یا خیر. قدیم یک فیلمی بود به اسم «مدرسه موش‌ها»، حتماً رفتید و دیدید. آن فیلم برای بزرگسال‌ها بود، چه حرف کودکانه‌ای داشت جز اینکه شما می‌آمدی از سالن سینما و چند شعر یاد می‌گرفتی؟ اگر من هم بخوام چنین فیلمی بسازم باید صرفاً نگاهم یک نگاه تجاری باشد که خوشبختانه نیست.

با این تعریف شما فیلمساز دغدغه‌مندی در حوزه کودک و نوجوان هستید، اما دغدغه اصلی شما به عنوان یک فیلمساز در این حوزه چیست؟

